

insititut kurde de paris

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

مُکردها همواره پیش از آن، نبرد با امپریالیزم بوده اند و در نبردهایی که با امپریالیزم نموده اند دلیری و راد مردی خود را به ثبوت رسانده اند و یکی از مبارزین کُرد جلال طالبانی همواره با امپریالیزم ستیزیده است و او از دیرباز از تسلط امپریالیزم بر منطقه حی داند و از این رو مبارزات ایشان دارای خصلت ضد امپریالیزمی است و امپریالیزمها هم مبارزه او را خطرناک توصیف کرده اند و برای همین است به سرکوبی او من پرداختند.

نبردهایی او با صدام حسین عامل امپریالیزم بر همه نمایان است و وی بر اثر جوانمردی و دلیری در میان کُردان معروف است و از سرآمد راد مردان و سیاستمداران نیرومند کُرد بشمار می رود و او در عین حال که مرد سیاست و جنگ است، در تواضع و فروتنی و مهربانی مشهور است و با علوم اسلامی و ادبیات کُردی و عربی هم آشنا است و دانشمندان و نویسندگان و سران بزرگان و هنرمندان را گواهی میدارد و گذشته از جنگهایی که با صدام و صدامیان نموده است همیشه نسبت به رفاه و آسایش مردم و آبادی کُردستان توجه خاص داشته و در گسترش داد و دادگرمی و توسعه امور کشاورزی و صنعتی و غیره خرابیهای جنگ کوشیده است و او همیشه یار و یاور مستمندان و در ماندگان است و برای همین است در میان مردم به عموجلال یا امام جلال معروف شده است.

امام جلال مرد دین و تقوی است و او مسجد بزرگ شهر سلیمانیه را که ابراهیم پاشای باپان (۱۱۹۸ - ۱۲۱۸ هجری) احداث نموده و در آن شیخ معروف نودهی (۱۱۶۶ - ۱۲۵۴ هجری) و سپس فرزندان کاک احمد شیخ (۱۲۰۸ - ۱۳۰۵ هجری) تدریس کرده اند و کاک احمد شیخ و شیخ محمود ضید در آنجا دفن شده اند و اکنون زیارتگاه مردم است آنرا ترمیم نموده است.

و نیز حسینیه امام حکیم شهر سلیمانیه را بنا نموده است و این حسینیه دارای دو مناره است که بلندی هر مناره آن ۳۱٫۵ متر است که طول دو مناره اش شصت و سه متر می شود و با امر مبارک رسول اکرم که در شصت و سه سالگی فوت کرده مطابق دارد و هر قبۀ آن دوازده قسمت است و پنجره هایش دوازده بخش اند که یادآور زندگی دوازده امام علیهم السلام است.

جلال طالبانی یکی از مردان بزرگ کُرد است که سالها برای بدست آوردن آزادی و دموکراسی با امپریالیزم و صدام عامل امپریالیزم به مبارزه پرداخته است و او در عین حال رهبر معنوی و اخلاقی نیز هست و او هنوز در حال مبارزه است و از لحاظ دینی نیز اعتقاد راسخی دارد و همه مردم او را دوست دارند.

اینک مبارزات و خدمات این مرد بزرگ را بنا به اسناد و دستاویزهای تاریخی در اینجا می نگاریم تا مورد استفاده جوانان و آزادی خواهان قرار گیرد و امیدوار است که این نوشته مورد پسند عموم واقع گردد.

ومن الله التوفیق وعلیه التکلان .

تهران - خرداد ماه ۱۳۸۱
صدیق صفی زاده (بوره کی)



جلال طالبانی

تالیف :

دکتر صدیق صفی زاده (نورہ کینی)

جلال طالبانی : جلال فرزند شیخ حسام الدین طالبانی معروف به مام جلال در سال ۱۳۵۳ هجری مطابق ۱۳۱۱ شمسی و برابر با ۱۹۳۳ میلادی در شهر کویسینق از توابع اربیل پایتخت و با عرصه وجود گذشت و او از یک خانواده متوسط و فزوی متعلق به گروه مشایخ طالبانی است که مردم به آنان اعتقاد راسخی دارند و او با ثوبی مندی بود و همین سبب در اخلاق فرزند او که بعداً به صورت عمومی مردم در آذربایجان نهاد.

او تحصیلات ابتدایی را در همان شهر شروع کرد و در کودکی شاگرد باهوش و زرنگی بود و معلمین او را بسیار دوست داشتند و پس به اربیل و کرکوک رفت و دوره متوسطه را در آن دو شهر به اتمام رسانده.

از دوران تحصیل او اثری از عظمت آینده وی دیده نمی شد جز اینکه افکار انقلابی داشت و هم سران کرد انقلابی را به زبان می آورد و این هم باعث گرفتاری او شد و معلمی که وابسته به دولت بودند او را کتک زدند و چند بار هم او را به دست شرطه که دادند و زندانش کردند و او از آغاز کودکی جنگ و زندان و تبعید را شناخت و پس از آن برای ادامه تحصیل عازم بغداد شد و در دانشگاه بغداد در رشته حقوق مشغول تحصیل گشت و پس از مدتی به اخذ لیسانس نایل آمد.

جلال از همان دوران جوانی وایل بود که دیگران را تربیت کند و به راهی که صحیح می بیند اشت هدایت نماید و چون می دید عده ای از جوانان دنبال کارهای ناروایی بودند افسوس می خورد و آنان را ارشاد می کرد و او جوانان کرد را می دید که بیکاری گردند و نیروی خود را به هدر می دهند و حکام هم در منطقه مردم را آزار می دادند و با اینکه او حقوق دان بود و قصد داشت که به وکالت بپردازد اما شکست خورد و مردم به وسیله رژیم او را راحت نمی گذاشتند. او می دید که سالها می نماید مردم در زیر اختناق و ستم فریبگی و اقتصاد بی برکت و توجیهی به آموزش و پرورش نمی کنند و از این رو بیشتر مردم بی سواد بار آمده اند و قصد داشت با رژیم به مبارزه بپردازد.

جلال سپس به کردستان رفت و جوانان را دور خود جمع کرد و در واقع در این دوره مقدمه مبارزات سیاسی و اجتماعی او شروع شد و در آن زمان روش دولت عراق نسبت به کردها بسیار ناپسند بود زیرا کردها که آریایی بودند آنان را از نژاد پست می شمردند و او اینها را می که در بغداد بود چندین بار از طرف مأمورین دولت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و حتی مدتی هم به زندان افتاد ولی از خود عکس العملی نشان نداد و از آن پس تصمیم گرفت با دولت عراق بجنگد و مردم کرد را از بی عدالتی که این کشور نسبت به آنها روا می دارند رستگار کند.

جلال طالبانی پس از آن به بیشتر روستاها و شهرهای کردستان مسافرت کرد تا با روحیه مردم و وضع زندگی آنان آشنا گردد و طی مسافرت های خود می خواست از نزدیک ببیند که مردم چگونه زندگی می کنند و به چه چیز نیاز دارند و چه عواملی باعث عقب افتادگی آنها شده و او می دید که دولت مالیات های سنگینی از آنها می گیرد و کاری هم برای شان انجام نمی دهد و زندگی سخت باری دارند و در همین ایام بود که مردم عراق در شهرهای مختلف بر علیه انگلیسها قیام کرده بودند و راه پیمایی های طولانی فرصت مناسبی بود تا جلال به عمق و تجسس وضع بپردازد و تصمیمات وی در این ایام راه زندگی او را تغییر داد و او را در مسیر جدیدی انداخت.

مام جلال راهی را که از برای رهائی و آزادی مردم خود برگزیده با راه های دیگر تفاوت دارد زیرا کردان دارای دینها و عقاید گوناگونی هستند از جمله دارای ادیان مسیحی و کلیسی و زرتشتی و اینرسی و اهل حق و شیعه و سنی هستند و او همه را با هم متحد و یکدل و یک زبان کرده و همه با هم خواستار آزادی شده اند تا مردم خود را از چنگال صدام و صدامیان و امپریالیسم رستگار نماید بخصوص

اہل حق و واپس دیاں کہ بیشتر نشان در کربستان عراق زندگی می کنند به تناسخ عقیده دارند و گویند روان ہمارہ در گردش است ، از کالبدی بہ کالبد دیگر درمی آید و نظر بہ این عقیدہ آنان عقیدہ دارند کہ امام جلال دارای صفات ملکوتی گردیدہ و آنان را رستگار خواہد کرد زیرا او بہ خاطر مردمش از ہمہ چیز جہان پشت پازدہ و از زندگی خوش چشم پوشیدہ و برای آزادی آنان در تلاش است .

در این ایام ملا مصطفی بازرانی با طایفہ بازرانی کہ یکی از طوایف شجاع کردی باشند در منطقہ کربستان بازرانی بر علی حکومت عراق قیام کردہ بود و دولت لشکری برای سرکوبی او بہ کومہای بازرانی فرستاد ولی بیشتر سر بازرانی دولت در این جملہ کشیدہ شدند و ملا مصطفی کہ با پسراش ادبیس و مسعود مبارزہ می کرد پیروز شد و پس از آن انگلیس کہ با ہواپیماہای خود سزمین بازرانی را بمباران کرد در روپفتا دو نہد ہکدہ را ویران ساختند و ہزاران نفر را کشتند و جملہ انگلیس کہ بہ صدی و ہشتاد ہکت بود کہ مردم انگلستان علیہ دولت خود دست بہ تظاہرات زدند و ملا مصطفی پس از آن تجدید قوا کرد و پس از سزمین کومہ کردستان را بہ تصرف خود در آورد و پس از سر بازرانی و افسران رژیم را کشت و پیروز یابی بدست آورد و امام جلال چون از پیروزی کومہ ملا مصطفی و جملہ انگلیس بہ بازرانی اطلاع یافت براثر رنج و کوششائی کہ از رژیم دیدہ بود بہ بازرانی رفت و بہ ملا مصطفی پیوست و او چون حقوق دان بود بیشتر کارہای سیاسی او را انجام می داد و وی برای نخستین بار از سوی ملا مصطفی برای فدا کردہ باد دولت عراق بہ بغداد حرکت کرد تا در مورد خود مختاری کردہ بحث کند و او اگر چہ در این مرحلہ از نظر سیاسی نتوانست کاری بکنند اما مردم را آگاہ کرد و در آنجا تظوق شدیدی علیہ دولت عراق ایراد کرد و پس طرحی را تہیہ و تسلیم دولت عراق نمود و این طرح عبارت بود از :

- ۱- تشکیل ایالت کربستان کہ شامل شہر کومہ ، موصل ، کرکوک ، سلیمانہ ، اربیل ، دیوک ، خانقین بود .
- ۲- راه یابی چند وزیر کرد در کابینہ عراق بہ نام وزیر کربستان .
- ۳- گماشتن معاونی در ہر وزارت خانہ برای انجام امور کربستان .
- ۴- آزاد کردن زبان کردی در مدارس و دانشگاهہا .
- ۵- اما دولت عراق آنہا را نپذیرفت و مجدداً جنگ در کربستان شروع شد و ملا مصطفی مجدداً با پیش مرگرایش بہ صدانیان جملہ کرد و پس از آنان را کشت و مناطقی را نیز از کربستان بہ تصرف خود در آورد و این خبر در تمام کربستان و دنیا منتشر شد و حکومت عراق را بہ لرزہ انداخت .

در سال ۱۹۵۹ جلال طالبانی کہ سمت نمایندگی و سخنگوی کرد را در بغداد قاعہ و اروپا بہ ہمدہ داشت از لحاظ نظامی ہم یکی از پیروزترین فرماندہان بہ شمار می آمد و در بیکار چہہ سلیمانہ ارزشش خود را بہ ثبوت رسانیدہ بود و صدای این دستہ روز بہ روز رساتر شدہ و گروہ بسیاری بہ او می گرویدند و مردم از آن پس خود را از کمونیست کہ کنار می کشیدند و بحق سرخوردگی و پشیمانی پارہ ای بسیار زرف بود و در این ایام ابراہیم احمد مدیر داخلی روزنامہ خیبات و وکیل دادگستری بغداد و وریش حیفی حزب دموکرات شناختہ شد و او با جلال طالبانی رابطہ دوستی پیدا کرد و او را بسیار دوست داشت زیرا وی را جوانی دلیر و سیاستمدار می پنداشت و پس دفتر خود ہیر و خاتم را بہ عقد وی در آورد و داداش شدہ

روز ۲۱ ماہ مارس کہ مصادف با جشن نوروز باستانی کسردہا بود سخنرانی مفصلی در پیرامون آن روز فرخندہ و ملیت گرد از جانب جلال طالبانی در بغداد ایراد شد و روز بعد سخنرانی وی (در روزنامہ خیبات توسط ابراہیم احمد بہ چاپ رسید ولی بہ محض بخش شدن روزنامہ در شہر دستور توقیف روزنامہ توسط ژنرال عبدی فرماندہ نظامی بغداد صادر گردید و از آن پس حزب دموکرات بطور آشکار فعالیت خود را قطع کردہ و در فضای کار مشغول شدند و کسانی ہم کہ تا آن وقت بہ زندان نیفتادہ بودند خود را پنهان کردہ و با چاپ مخفیانہ روزنامہ بہ کار پرداختند .

انگتر سران محمد از جمله جلال طالبانی پیرو حزب دوکرات کردستان بودند و جلال طالبانی در باره حزب دوکرات و ملا مصطفی اینگونه اظهار نظر نمود: ملا مصطفی رهبر بزرگ ما است و ما بدون او هیچ کاری از دستمان ساخته نیست. ملا مصطفی هم بی همکاری و همکاری ما کاری انجام نمی دهد. راستی کاروبار ما شباهت زیادی به گاندی و حزب کنگره هندوستان دارد، بطوریکه می دانیم آن دو یعنی حزب کنگره هند و گاندی پیوسته لازم و ملزوم هم دیگر بودند.

در تمام تابستان و پاییز سال ۱۹۶۲ جنگ ادامه داشت و نیروی هوایی عراق همچنان برنامه کشتار مردم و ویران کردن خانه که و نابود ساختن خانه های مردم را دنبال می کرد و از آن سوی جلال طالبانی با عده ای از زمینداران کرد همواره به پاسگاهها و افراد ارتش عراق حمله می کرد و به آنان تلفات جانی و ادرعی ساخت و در این مدت میلیون کرد صاحب اختیار روستاها و کوهستانها بودند و نمی گذارند پاهای سرپازان دولتی به آنجا برسد و کم کم اثرات وجودی نیکویی در زمین های پست و جلگه از خود نشان داده و دامنه فعالیت را تا کناره های دجله گسترش دادند و جنگجویان کرد هر چند قدرت یکبار، شبانگاه به پادگانهای ارتشی سلیمانیه و اربیل و کرکوک شلیخون زده و پس از وارد کردن تلفات دوباره به پناهگاههای خود پنازی گشتند و پیروزیهای ناایلی می شدند.

در سال ۱۹۵۸ در ماه فوریه عبدالسلام عارف در عراق کودتا نمود و به سرکار آمد و قاسم تبر باران شد و در این هنگام پیمان آتش بسی با شورشیان کرد بسته شد و پس با کسرها به مذاکره و گفتگو پرداخت و ایران دو طرف آزاد گردید. جلال طالبانی که ریاست هیئت نمایندگان کرد را در بغداد به عهده داشت فتنه صاحبی ای که در یک ماه مارس با خبر نگاران جزائری ترتیب داده بود اظهار داشت: نسبت به نتیجه مذاکراتی که با دولت عراق انجام می شود بسیار خوشبین نیست و پس به گفتار خود ادامه داد و گفت: با وجود اینکه دولت عراق قول داده است، خود مختاری کرد را بر رسمیت بنماید ولی معافانه نام می دهد و با این ترتیب تصور نمی کند که انقلاب کرد به این زودی پایان پذیرد، زیرا کردها طالب قولنامه کتبی می باشند که هنوز داده نشده است.

در پنجم ماه مارس گفتگو در یکی از روستاهای سلیمانیه بر ریاست جلال طالبانی دنبال گردید و در دهم ماه مارس شورای محرمانه ملی انقلاب عراق تشکیل شد و در پایان جلسه اعلام گردید که با حقوق مردم کرد در اصل عدم مرکزیت هم آهنگی شده است و روز بعد صالح السعدی رئیس جناح اصلاح طلب حزب بعث عراق اظهار داشت: برای اینکه حق خود مختاری کردهای شمال عراق ثابت گردد در آینده نزدیک مقامات ادارای آن منطقه از میان خودشان برگزیده خواهد شد.

در این موقع جلال طالبانی برای ملاقات با جمال عبدالناصر روانه قاهره شد و می در هنگام دیدار و مذاکره با ناصر متذکر شد: جمهوری متمدن عرب بر این اعتقاد است که مردم عرب باید خودشان بر خودشان فرمانروایی داشته باشند. حال اگر مردم کرد همین تقاضا را بکنند عدالت اینطور حکم می کند که تقاضایشان پذیرفته گردد و پس از پایان گفتگو طالبانی از سوی خود به ناصر قول داد که حکومت خود مختار کرد در آینده از یاری کردن جمهوری متمدن عربی مضایقه نخواهد کرد ولی ناصر با برانداز کردن سودجویانی که پس از خود مختاری کرد خواهد شد چون منافع چندان در آن ندید جواب موافقی به طالبانی نداده و او را بدون گرفتن کمترین نتیجه به کردستان عراق باز گردانید.

در اوایل ماه ژوئن، جلال طالبانی و نمایندگان دیگر کرد، پس از اینکه از مذاکره و گفتگو با حکومت عراق ناامید شدند از بغداد باز گردید و برای مشورت با ملا مصطفی به سوی شمال رهسپار شدند و پس از عزیمت جلال

طالبانی مقامات بعضی عراق بازمانده نمایندگان کرد که در بغداد مانده بودند احضار کرده و به آنها گوشه ساز شدند که دولت عراق با شرایط کرده موافقت کرده است و منطقه کرده از نظر آنها ساحل شهرهای سلیمانیه و کرکوک و اربیل و بخش های دیاله و موصل می باشد.

در اوایل تابستان جلال طالبانی به نمایندگی ملامصطفی به سوی اروپا راهی شد تا در میان دانشجویان و مهاجران کرد کردکوره های اروپا برای خود پشتیبانی یافته و برای آماجی که در پیش گرفته اند از آنها یاری بخواند.

دولت آمریکا که با جلال طالبانی مذاکره کرده بود برای رفتن به نیویورک و اید داد و وزارت امور خارجه انگلیس هم از سیاست اولیه که ندادن روایید به نامبرده باشد بازگردید و اجازه داد تا وی به انگلستان و کشورهای مشترک المنافع مسافرت نماید ولی چون در آن موقع این مسافرت برای طالبانی مورد احتیاج نبود بدین سبب بدان کار اقدام نکرد لیکن نزدیک به پایان سال که ابراهیم احمد بیه حزب دموکرات عازم انگلستان بود دوباره دولت انگلیس از دادن روایید به وی خودداری کرد و از این رو ابراهیم احمد برای سازمان دادن و یاری خواستن از دانشجویان و کلیون طرفدار جنبش کرد به کشورهای دیگر اروپا مسافرت کرده و در هیچ کشوری با مشکلات روبرو نگردید.

در این هنگام حزب بعث آتش پس اعلام نمود و به علت اینکه دولت عراق موقعیت ویژه ای برای ملامصطفی تأمل شده است بحرانی پدید آمد و آن این بود ابراهیم احمد بیه کل حزب با مناسبت اقدامی که برای آشتی دادن حزب با ملامصطفی به عمل آمده بود از سمت خویش استعفا داد و جلال طالبانی هم از کارکنان ره گیری نمود اما با استعای طالبانی موافقت نشد و برای رفع هرگونه سوء تفاهم پیشنهاد شد که ادارات به سه بخش تقسیم شده و هر بخش زیر نظر شخصی قرار گیرد.

پس از آن توافق میان دولت بعث عراق و کرده حاصل شد و مواد اساسی این موافقت نامه عبارت بودند از: ۱- زبان کردی با زبان عربی و زبان رسمی مناطق خواهد بود که در آنجا غلبه جمعیت بامردم کرد است و زبان آموزش این مناطق خواهد بود و در تمام عراق به عنوان زبان دوم در مدارس تدریس خواهد شد. ۲- کردها در دولت مشارکت خواهند داشت و این مشارکت شامل مقامات حساس و عالی رتبه کابینه و ارتش خواهد بود. ۳- آموزش و فرهنگ کردی ترویج خواهد شد. ۴- کلیه مأموران دولت در مناطق کردها غلبه جمعیت با کردها است کردیادست کم کرد زبان خواهند بود. ۵- کردها آزاد خواهند بود سازمان های دانشجویان و جوانان و آموزگاران را خود تأسیس کنند و برای عمران کردستان بودجه لازم تخصیص داده خواهد شد. ۷- برای خانواده های شهدا و سایر خانواده های فقیر زده و بیکار و بی خانمان مستمری برقرار خواهد شد و به آنها کمک خواهد شد. ۸- کردها و عرب ها به محل های سکنا سابقشان بازگردانده خواهند شد. ۹- اصلاحات ارضی انجام خواهد شد. ۱۰- قانون اساسی به این نحو اصلاح خواهد شد: مردم عراق متشکل از دو ملت اند: ملت عرب و ملت کرد. ۱۱- ایستگاه رادیویی و سلاح های سنگین به دولت تحویل داده خواهد شد. ۱۲- یک کورد معاون رئیس جمهور خواهد شد. ۱۳- تقسیمات اداری کشور به نحوی اصلاح خواهد شد که با حقوق این موافقت نامه تطبیق کند. ۱۴- یک کاسه کردن مناطق عمدتاً کوردنشین در واحد خودگردان. ۱۵- مردم کرد در قوه مقننه

به ثبت جمعیت خود در عراق مهیم خواهند بود. اما بعضی که پس از این موافقت نامه شروع به جویات کردند و مجدداً تملک خود را به کردستان از سر گرفتند و پس از مردم را کشتند و این موافقت نامه هرگز اجرا نشد.

بعد از امضای موافقت نامه نمرضا شاه پهلوی و صدام حسین در الجزایر به سال ۱۹۷۵ که منجر به دریم شکستن مقاومت ملا مصطفی بازرانی شد، جلال طالبانی حزبی را به نام اتحادیه میهنی کردستان تشکیل داد که بیشتر کردان عراق بخصوص جوانان و روشنفکران در آن شرکت کردند و وظایف اتحادیه را بدینگونه اعلام کرد: «سازگونی ساختن رژیم بعثی عراق، استعمار یک حکومت ملی و دموکراتیک، شناسایی حقوق ملی کردها و انجام اصلاحات ارضی به سود ریفایان و کشتاورزان و صنعتی نمودن کشور و بهره برداری از منابع طبیعی، و در همین رابطه جلال طالبانی بیانیه ای در دمشق منتشر کرد که تشکیل اتحادیه میهنی کردستان را اعلام می داشت و این بیانیه تهدید اتحادیه میهنی کردستان را به تأمین خود مختاری برای کردها و دموکراسی برای عراق اعلام می داشت و از نیروهای ترقی خواه طلب می کرد که در رژیم دیکتاتوری خون آشام صدام شرکت کنند».

جلال طالبانی برای ایجاد منطقه نیرو بگیرد نخست به حزب کمونیست و سپس به حزب سوسیالیست کردستان حمله کرد و مزدوران و جاسوسان را هم که برای صدام جاسوسی می کردند منزیم نمود و بدین وسیله توانایی حزب خود را نشان داد و پس از آن شهر سلیمانیه را آباد کرد و پس از آن وساختن احداث نمود و برای کارگران و بینوایان و آوارگان جنگی خانه ها و ساختمانهای زیادی احداث کرد و به آنان هدیه داد تا در آن زندگی کنند و شهره ای حلیجه و خرما نیز که صدام بپاران شیمیاری محسوده بود از نو آباد کرد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جلال طالبانی که قبلاً در پاریس به خدمت امام خمینی رسیده بود طی اعزام هیئت کومی به قم و تهران به بستگی خود را با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران اعلام داشت و برای برقراری رابطه با آن دست به تلاشهای زیادی زد و خود جلال هم مجدداً به خدمت امام رسید و در سال ۱۳۵۸ دولت موقت به آنان اجازه داد که در تهران دفتر دایر نمایند و جلال طالبانی پس از آن به مبارزه خود با حکومت بعث ادامه داد و بسی از مناطق کردنشین زا در کردستان عراق گرفت و در واقع نهضت جلال هم فکری است و هم اجتماعی و او می خواهد در سطحین در اندیشه کردن مسلمان پدید آورد و آنان را از زیر سلطه امپریالیزم و نوکراتش رها سازد و به این خاطر ضرب های شدیدی به نوکران امپریالیزم زده است و مردم نیز با او جو شیده اند.

جلال طالبانی برای اینکه از خانواده غصبی است رؤیای کمی سیرینی دارد و او به امید نظامی بهتر است که برای کردن عراق فراهم سازد و در اندام رژیم فعلی بعث همواره می کوشد و برای اینکار مردان با استعداد و بالیاقت و روشنفکر را دور خود گرد آورده تا صلح عمومی پدید آورد و مردم پس از این همه جنگ و کشت و کشتار در امن و آسایش بسر برند تا سالها که از وسایل معاش برخوردار شوند و میانشالان به کار پردازند و جوانان از لوازم نشو و نما بهره مند گردند و بیوگان و یتیمان که پدران و مادران خود را در جنگ از دست داده اند از مراقبت محروم نمانند و به این خاطر بیشتر مردم او را دوست دارند و از آنجا که عده ای در کشت و کشتار و بیماریان شیمیایی از بین رفته اند به یاری خدا طبق نویدی که در قرآن کریم داده شده به حق خود خواهند رسید و از دست صدام و صدامیان و ستمکاران رستگار خواهند شد.

جلال طالبانی از نویسندگان و دانشمندان کردیم به شمار می رود و او در زمینه تاریخ کرد و ادبیات کردی مقالات متنوعی در مجلات و روزنامه که به طبع رسانده و جوانان را برای آشنایی فرهنگ و هنر تشویق می نماید و نیز روحانیون و دانشمندان

و نویسندگان و سرانندگان را برای نشر افکار خود یاری می دهد و او در سفر اینها و گفتار آنها می خود به خود می گوشت ریاقت و سزایستگی و فریبگ کردن را بیاد آورد و به گسترش فریبگ و ادبیات کردی بپردازد و آنرا به مردم بشناساند.

در سال ۱۹۸۸ اتحادیه میهنی کردستان به جملات خود ادامه داد و تاداشت اربیل و حتی درون شهر کرکوک پیش رفت و در یکی از این جملات در آن بوس دولتی که به کمین انداختند بیت و در خطبان را کشند، اناسیوه کار متفاوت از سیوه ای بود که در جریان جنگ ایران و عراق دنبال می شد؛ با تهدید جملات شیمیایی و نبود پناه و سم پناه کردستان اکنون جنگ را با توسل به جملات برق آسا و کمین زدن و گریختن ادامه می داد، بی اینکه جایی را اشغال کند و محض گاه گاهی را در کوهستان برای محض کردن آذوقه و اسلحه و مهمات لازم برای صد روزمندی ای که هنوز بنابر به ادامه جنگ بودند آیه کرده بودند.

از لحاظ سیاسی برای نگه داشتن روحیه مردم لازم بود فعالیت چریکی در سطحی باشد که بغداد نتواند حقیقت ادامه مبارزه را از چشم جهانیان پنهان بدارد. طالبانی همدار داد که پاکستان دامن جملات به مناطق عرب نشین کشور مبارزه را گسترش خواهد داد. ارتباط طبیعی از این جریان این بود که چنین عملیاتی شمار زیادی از نیروهای دولتی را به زمین میخوب خواهد کرد و اثر فرسایشی خواهد داشت.

در پنجم آوریل اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد برای جلوگیری از شدت عمل بغداد قطعنامه شماره ۶۸۸ را تصویب کرد و قطعنامه مزبور سرکوب مردم غیر نظامی را در بسیاری از مناطق عراق از جمله مراکز جمعیتی کردستان منکوم کرد و از عراق خواست برای کمک به رفع تهدید صلح و امنیت جهانی در منطقه بی درنگ به این سرکوب پایان دهد و به سازمانهای بشر دوست جهانی امکان دستیابی به کلیه کسانی را که در مناطق عراق نیاز به کمک دارند بدهد. این قطعنامه از دو جهت یک قطعنامه تاریخی بود. از کمیسیون داوران جامعه ملل در ۱۹۲۶ به این سو، این نخستین بار بود که از کرده به نام یاد می شود به این ترتیب وضع و موقع آنها را از لحاظ بین المللی بالا برد، ثانیا این نخستین بار بود که سازمان ملل متحد بر حق و داخل در امور داخلی کشور می عضو اصرار می ورزید این دو مورد حکایت از این داشت که سازمان ملل کم کم داشت در این قاعده کلی عدم و داخل تجدید نظر می کرد و این چیز بود که برای آینده کرده و سایر اقلیت های قومی که معروض خطر بودند امید بخش بود اما شورای امنیت رفت کرد که قطعنامه مزبور را به موجب فصل پنجم منشور ملل متحد مقید به ضمانت های اجرایی نکند.

جلال طالبانی پس از این به مبارزه و جنگ و سینه ناگزیر به فدا کرده با صدام شد و هفتاد پیش از آن وقتی نیروهای عراقی کرکوک را از نو متصرف شدند چه پیشنهادی از صدام برای صل و فصل مسأله بر اساس فدرالیسم دریافت داشت بود. هر دو طرف می گوشتند در این شرایط و اوضاع دشواری که با آن دست به گریبان بودند فرستی برای نفس تازه کردن بیابند؛ کرده می گوشتند از جنگ رهایی یابند و صدام علاقه مند بود که از فشارهای سیاسی خلاصی یابد و رهبران چهره کردستان از جمله جلال طالبانی که آرزوی کشور فدرال دارد با صدام رو برو شد و او آرزو داشت کرکوک را به عنوان پایتخت منطقه خود مختار بدست بگیرد و اما این خواب و خیالی بیش نبود و این روشن بود که صدام دیگر علاقه ای به واگذار کردن کرکوک و خانقین و مندلی که چهره کردستان خواستارشان بود ندارد و صدام از کرده خواست که کلیه تماس های خود را با خارجیان قطع کند و این خود منعکس کننده ترس بغداد از به کار آمدن کردها با دشمنان خارجی بود تا کردها

بجز بغداد ملجایی نداشتند باشند .

در اواسط ژوئن دیگر روشن بود که مذاکرات بین بست رسیده است و جلال طالبانی هم در بین بود و مصمم شد جنگ را از سر بگیرد و هشتاد داد که معامله با صدام بدون تحریک مشخص، مرزهای منطقه خود مختار و تضمین بین المللی قابل قبول نیست و وی مصمم است در صورت لزوم جنگ را از سر بگیرد و طالبانی معتقد بود که می تواند اختلاف ضد صدام را قانع کند به این که تضمین و حمایت های راکوسی خواستارشان بود تا مین کنند، چرا که ایالات متحده آمریکا و اعضای جامعه اروپا با نظر مساعد از ترتیبات مربوط به خود مختاری مستغفراننده بودند .

البته صدام بر تقاضای خود افزوده بود : خواستار تسلیم سلاح های سنگین و قطع برنامه های فرستاده های چهره و کلیه روابط و مناسبات چهره با خارجیان شده بود ، و او خواستار پیوستن سران کرد به دولت وی بود و جلال این را خطری بزرگ برای کردها می پنداشت و آنرا رد کرد .

در ماه های سپتامبر و اکتبر جنگ های شدیدی در اطراف کرکوک و پس در اوایل اکتبر در اطراف کفری و کلار و سلیمانیه روی داد و در طرف میزان مقاومت مواضع دفاعی و میزان تهدیدات اختلاف را آزمودند و طالبانی امید داشت که اختلاف را به داخل برانگیزد و در زمین نیرو های دولتی را از نو گرفتند و سلیمانیه را گلوله باران کردند و صد ها کشته را به سوی مرز رانند و این پیروزی به برای ایزان بدست نیامد و در یک از این موارد ، در ماه های ژوئیه و اکتبر بر آورد شد که ارتش عراق پنجاه هزار تن یعنی یک لشکر کامل تلفات داد .

صدام در اواخر اکتبر کردستان را تحت محاصره قرار داد ، نیرو هایش را به پشت یک خط دفاعی پس کشید ، حقوق کارمندان را قطع کرد و به تدریج محاصره ای اقتصادی را بر منطقه کردستان اعمال کرد و غرض از این اقدام آنها ایجاد نا ارضی برای مردم نبود بلکه خواست به مردم نشان دهد که بدون جبهه کردستان زندگی مادی آنها بسی بهتر و راحت تر خواهد بود و می خواست خود مختاری را با شرایطی که خود می خواست ، آنها تحمیل کند و در ماه نوامبر جنگ های بیشتری در اطراف اربیل روی داد و دویست هزار نفر آواره شدند .

آذوقه در دسترس نبود و مردم کردستان در فشار بودند ، زیرا راه نادرگانی هم بسته شده بود و بدون خوراک و آذوقه با سرهای سخت زمستان در کوهستانهای بی سرپناه امکان ناپذیر بود و بی شک صدام همچنان امیدوار بود که جبهه از پس این همه مشکلات بر خواهد آید و به زودی شرایط او را خواهند پذیرفت .

در اوایل ژانویه نمایندگان اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان در دمشق به نمایندگان سایر گروه های اپوزیسیون عراق پیوستند تا شالوده ای را برای تشکیل دولت عراق در تبعید بریزند .

جبهه کردستان رسماً خود را از مذاکرات خود مختاری کنار کشید و قصد خود را به جایگزینی مجلس قانونگزاری سابق در منطقه خود مختار با مجلس که بر اساس انتخابات آزاد برگزیده شده باشد اعلام کرد و پیشنهاد شد انتخابات در سوم ماه آوریل برگزار گردد و امید بر این بود که چنین انتخاباتی رهبری شخصی و شکلی از دولت مبنی بر انتخابات را بدست دهد و فلجی را که مبتلا به بیشتر نواحی کردستان از زمان خیزش به این سو بود درمان کند و این انتخابات مانند انتخابات سایر جاهای یک رقابت شخصی بود ، جریان نه مربوط به مسائل ایدئولوژیک بلکه مربوط به وفاداری نسبت به رهبران خاص خود بود و طالبانی حق تعیین سرنوشت برای ملت کرد را در درون عراق فدرال تبلیغ می کرد و این شعار بود که در مورد یکپارچگی عراق

داده می شد بر چیزی نزدیک تر به استقلال اشاره می داشت .

انتخابات سرانجام در نوزدهم ماه مه بر اساس نسبت آراء برگزار شد . آستانه ورود به مجلس و احراز کرسی های نمایندگان برای احزاب به وقت زرد مجموع آراء معین شد و احزاب کوچک با این جریان موافقت کردند و جبهه با انتخاب رهبر نیز موافقت کردند زیرا مطمح بودند که این حداقل را به سهولت بدست خواهند آورد . جبهه با انتخاب رهبر نیز موافقت کرد و چون وقت می کرد که شرایط انتخابات منطبق با مقررات موافقت نام خود خنثی باشد و در صورتی که از احزاب برای تأمین بیشتر نجات خود در انتخابات با هم ائتلاف کردند و حزب پنجپان در آراء دریافت سه کرسی نمایندگان با اتحادیه میهنی کردستان پیوست و پاسوک با حزب سوسیالیست کردستان ائتلاف کرد و گروه های مختلف اسلامی تحت نام جنبش اسلامی به رهبری ملا عثمان عبدالعزیز حلبی با یکدیگر متحد شدند .

نیایح آراء نشان داد که تنها حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان از حمایت اکثریت مردم برخوردارند . حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان ۵۰٪ آراء را بهر کدام بدست آوردند و جنبش اسلامی توانست ۵٪ آراء را بدست آورد .

در انتخابات رهبری جلال طالبانی را می بیشتر بدست آورد و دکتر محمود عثمان تنها ۲٪ آراء را کسب کرد و سرانجام تصمیم بر این گرفته شد که با توجه به آراء انتخاباتی طالبانی و مبارزانی مشترکاً جنبش را رهبری کنند . طالبانی در سلیمانیه و مبارزانی در اربیل هر کدام جداگانه حکومت کنند و این انتخابات باید موجب تراضی در میان همسایگان شد و مجلس ترکیب از ۱۰۵ کرسی بود : اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان هر یک ۵۰ کرسی و ۵ کرسی نیز برای آشوری که در نظر گرفته شده بود که چهار کرسی آن به جنبش دمکراتیک آشوریان و یک کرسی باقیمانده به حزب وحدت مسیحیان کردستان تعلق گرفت .

پس از انتخابات کردستان ، سازمان های بین المللی از ترس اینکه مبارز از این عمل به شراخت و سهمی دولت منطقه ای کرد تغییر شود از کار کردن از طریق دستگاهها و نهاد های مربوط به آن خودداری کردند . به این ترتیب دولت منطقه ای کرد را در سپهر ترین مشکلی که با آن روبرو بود یعنی در عمران و بازسازی کردستان نادیده گرفتند . نفع حکم و نظارت کرده بر نیاز مند های خود آنها مابین با اصول اعداد و توسعه بود و وضع با توجه به عظمت وظیفه بازسازی چنین بود . بیشتر کسب و رزین روستایی در یک دهه پیش منهدم شده بود و در بسیاری موارد بازگشت به روستا بر اثر عملیات انفال دشوار تر شده بود . آمار گیری که در منطقه پنجوپن به عمل آمد نشان داد که تا ۱۰٪ رؤسای خانوار را بیوه زنان تشکیل می دادند و فریاد دسی و پنج هزار تن از رؤسای خانوار که در عملیات انفال کشته بودند .

جلال طالبانی دریافتند که صدام حاضر نیست به کردها خود مختاری بدهد و در این راه باید مبارزه کرد و مردم را تجنیز کرد زیرا هیچ سازمان خارجی حاضر نیست که آنرا تضمین کند یا در پیوند با آن در مقام داور عمل کند و طالبانی دفاتر در ایران و سوریه و ترکیه و کشورهای دیگر گشودند .

جلال طالبانی در تلاش است که شهر کرکوک و موصل و صافین و مندلی را به سر نخوس شده از صدام پس بگیرد و به خود ختم کردستان ضمیمه کند اما او تمام قوا را در کرکوک مستقر کرده و عرب های جنوب را به آنجا کوچانده است و کردها را از سر زمین آباد اهدا در خود خارج کرده است و این نیاز به زمان دارد تا به هدف خود برسد و با توجه به این مشکلات کردها از جلال سعه می کنند به سر نخوس شده کرکوک را بگردد و آنرا پایتخت کردستان قرار دهد .

اینک اعلامیه اتحادیه میهنی کردستان که در سال ۱۹۷۵ منتشر شده است عیناً نقل می‌کنیم: توافق ۶ فارس سال ۱۹۷۵ ایران و عراق نشان می‌دهد که محافل امپریالیستی هدفی جز به بند کشیدن و محروم گرداندن خلق کوپامیال کردن تمامی حقوق ملی و دموکراتیک آنان و غارت هستی مردم منطقه و خیانت به آنان در سرنوشت رویداد های اخیر بهیچگی نیرو های انقلابی کردستان و دیگر ترقی خواهان مردم رانشان می‌دهد و رسیدن به خواسته های میهنی و بدست آوردن حق و حقوق ملی کردها انجام وظایف زیر را در درجه اول اهمیت قرار می‌دهد:

- ۱- آزاد ساختن عراق از قیود استعماری از جنبه های اقتصادی و سیاسی ۲۰- سبزگون ساختن رژیم دیکتاتور خونی خوار ۳- استقرار یک رژیم ائتلاف ملی و دموکراتیک تا بتواند فکر اسن واقعی را برای تمامی خلق عراق تأمین سازد ۴- شناسایی حقوق کردها در داشتن خود مختاری واقعی در هر چوب یک جمهوری مستقل در عراق ۵- انجام رفاه ارضی ریشه ای به نفع توده دهقانان و صنعتی کردن کشور و بهره برداری از منابع طبیعی کشور در جهت پیشرفت جامعه عراق به عنوان مرحله انتقالی در جهت استقرار مساوات و عدالت در کشور ۶- انجام تکالیف فزکوره مردم را تا در خواست ساخت تا در میانه عادلانه ملت عرب علیه امپریالیزم و هیونیزم شرکت نموده و منابع سرشار خود را در خدمت مردم بکار اندازد.

وقایع بعد از اتحاد رژیم به اصطلاح شرقی و انقلابی بغداد با رژیم ارتجاعی شاهنشاهی و اسک از فاهیت واقعی و سرت دیکتاتوری تجلی عراق بر گرفت و سیاست شوینستی اسن در قبال مسئله کرد در نظرات زیر بر ملا می‌شود: اولاً اخراج صدها هزار نفر از کارگران، دهقانان و روشنفکران کرد از منگلی، خانقین، کرکوک، شیخان، عین زاله، و سنجار، نانیان، ثقلب در فاهیت واقعی و محتوی رژیم خود مختار کردستان، نالایا جلوگیری از احقاق حقوق کردها در شرکت و اداره ارگانهای مرکزی و محلی حکومت، رابعاً تقسیم نیرو های ملی کرد و از میان بردن نیرو های مسلح آن.

شناسایی لفظی خود مختاری کردستان در فارس ۱۹۷۰ از طرف داور سته حاکم در بغداد که در نتیجه مبارزات پیگیر خلق فاعول شرایط آن زمان عملی شد، چیزی بجز فاسکی بر اسن پو شاندن فاهیت واقعی سیاست شوینستی آنان در قبال مسئله کرد نبود و نیز طرح خود مختاری دادن دولت بغداد در فارس ۱۹۷۴ چنین نبود جز پوششی برای جنگ و شیانه و کشتار جمعی آنان از مردم کردستان عراق، که به ویرانی صدها روستا و نابودی هزاران نفر از افراد غیر نظامی انجامیده و در ادامه مبارزه انقلابی در از خدمت خود، قبل از هر چیز به توانایی های سازنده توده های خلق کرد تکیه می‌کنیم و با همکاری و همبستگی بدین بانیرو های شرقی عرب و باروشن بینی و آگاهی بر این واقعیت که امپریالیزم، هیونیزم و است زنده کرد و دشمنان جنبش آزادی بخش کرد هستند، مبارزه مستمر خود را ادامه می‌دهیم.

اتحادیه میهنی کردستان معتقد است که جنبش ملی کرد، جنبشی تاریخی و عینی است و مبارزه این اتحادیه تا تحقق اهداف دموکراتیک و ملی مردم ادامه می‌یابد. اتحادیه با تشکل دادن به سازمانهای انقلابی و ترقی خواه و عناصر انقلابی کردستان در جهت بسیج و درگیری توده های خلق در ادامه راه انقلابی و تحقق شعار دموکراسی برای عراق و خود مختاری برای کردستان به مبارزه خود ادامه می‌دهد و مالز به مردم می‌خواهیم که فارا در این راه یاری دهند تا بتوانیم به آرمانهای خود برسیم و مردم را از ظلم و ستم حکومت دیکتاتوری صدام رستگار کنیم و مردم بتوانند آزادانه زندگی روزمره خود ادامه دهند.

ہمہ عام جلال رادوست دارند و سر ایندگان نیز در سرورده کیسان آورا ستوده اند چنانکہ یکی از سر ایندگان کرد در قصیدہ اش اورا اینچنین ستایش ہی کند :

مام جلال

مام جلال تو نہی پالہ واسفے کورد
مایہ می ناواتی سپہ و جوانی کورد
ہمہ رتو دوشمنی کورد دستے نہ شکینتی
تو لہ می نہم کہ لہ دیارہ نہ ستینتی
ہمہ رتو نہم کوردہ ست بہ کہ لان ناساند
ہمہ داری کہ لست بہ دنیا کہ یاند
ہمہ رتو لاوانت بو شوژشس مان دا
ہمہ رتو ری ہی زینت بہ وان پشان دا
ہمہ رتو دوشمنی کورد دستے شکان
ہمہ رتو شاخ و داخ مہ لہ ندت پشان
ہمہ رتو ولاتت ناوا کردہ وہ
گرہ وست لہ رمی می کورد ابردہ وہ
یہ کیہ تی کہ لست خیر اپیک ہیئنا
لہ بو نیشتمان و انت وہ زینا
نیشاش لہ رمی ہی کہ لہ رتی نہ کوشی
پنت خوشہ ژاری لہ سہر بنوشی
من لہ خوا م نہ وی کہ ہمہ رسہ رہ زربی
ہمہ روہ کو و جار ان لہ شوورہ و مہ زربی

مام جلال

یمنی پیمو جلال (مام جلال) توای تهرمان کرد

مایه امید و آرزوی پیر و جوان کرد

تو پیوسته دشمن کرد را شکست سی دهی

و انتقام این ملت را آشکارا می ستانی

تو پیوسته مردم کرد را به جهانیان معرفی کردی

و فریاد مردم را به سرتاسر گیتی رساندی

تو پیوسته جوانان را برای انقلاب برانگیختی

و تو راه زندگی را به آنان نشان دادی

تو دشمن کرد را شکست دادی

و کوه و کمر کشور را کاویدی

تو مملکت را آباد نمودی

و در راه گرد پیروز و موفق شدی

یکانگی مردم را پدید آوردی

و جوانان را به راه انداختی

اکنون نیز برای مردم سی کوشی

و دوست داری (مانند سراط) برای شان زهر بنویسی

من از خدا می خواهم که پیوسته سر بلند باشی

و مانند گذشته در هر روز و بوم سر فراز باشی .

insititut kurde de paris

وجواہری شاعر معروف عرب اور اچین ورح می کند :

شَوْقًا جَلالَ كَشَوْقِ التَّيْنِ لِلْوَسَنِ
كَشَوْقِ نَائِ غَرِيبِ الدَّارِ لِلوَطَنِ

شَوْقًا إِلَيْكَ وَأَنْتَ النُّورُ مِنْ بَصَرِي
وَ أَنْتَ مِنْ مَطَلَعِ الرُّوحِ فِي الْبَدَنِ

وَ أَنْتَ مِنْ قَلْبِي يَسْخُو الزَّمَانُ بِهَا
تُسْتَلُّ مِنْ كَثْرَةِ عِبٍّ عَلَى الزَّمَانِ

یا ابن الذری من عتاب غیر مصدقہ
لِسَمِّ النُّسُورِ بِهِ إِلَّا عَلِيٌّ وَ هُنَّ

يَرْقَى السَّمَاوَاتِ عَمَلًا وَ تَحْفَنُ
غُرَّ النُّجُومِ وَ يَلْقَاهَا بِمُحْتَضِنِ

insititut kurde de paris

منابع

- ۱- کرد و کردستان تألیف درک کینان ترجمه جواد کافز - تهران ۱۳۴۸
- ۲- تاریخ معاصر کرد تألیف دیوید وک داوول ترجمه ابراهیم یونس - تهران ۱۳۸۰
- ۳- با این رسوایی چه بختی تألیف جان اتان رندل ترجمه ابراهیم یونس - تهران ۱۳۷۹
- ۴- جنبش وکل کرد تألیف کریس کوچرا ترجمه ابراهیم یونس - تهران ۱۳۷۷
- ۵- مبارزه علی و طبقاتی تألیف اسماعیل شریف زاده - تهران ۱۳۵۶
- ۶- کوردستان و شورشی که می نمود سراوس چه مآل نه بود - برلین ۱۹۸۵
- ۷- ضه بات له رسی کوردستان دانوسراوس جلال تهمی - سلیمان ۱۹۷۱
- ۸- پرونده وهی کوردنوسینی ره مزین قه زاز - سلیمان ۱۹۷۱
- ۹- به راوردیگی تاریخی نفوسینی صالح قه فتان - سلیمان ۱۹۳۶

10- The kurds and kurdistan by: Derk kinnane - London 1970.

11- Kurdish war by: Adamson - London 1964.

insititut kurde de Paris

insititut kurde de paris